

ما فقط با هم دوستیم!

ارتباط دختران و پسران از نگاه اسلام

یک خطای رایج

مگر هر رابطه دختر و پسر باید به ازدواج ختم شود؟! ما فقط با هم دوستیم! این جمله و جملاتی با این مضمون را از جوانان امروزی کم‌وبیش می‌شنویم. هر چند رابطه دختران و پسران گستره آن در دوران جدید موضوع تازه‌ای نیست، اما در عین حال باید از همین ابتدا از یک خطای رایج بپرهیزیم: از این خطای ذهنی و شناختی که: «اکثر جوانان امروزی چه بگویند چه نگویند کسی را دارند.» در حالی که به هیچ‌وجه این‌گونه نیست. بعدها شاید خود مدعیان نیز بفهمند که دختران و پسران حتی خوش‌تیپ و برخوردار زیادی هستند که برخلاف افراد ضعیف و ساده‌اندیش، گرفتار رابطه‌های گناه‌آلود این چنینی نشده‌اند.

برخلاف این رابطه‌های گناه‌آلود، ارتباط دختر و پسر در حد یک رابطه محدود اجتماعی با حدود و شرایط معین که به

اقتضای زندگی اجتماعی بروز می‌کند، بحث دیگری است. متأسفانه در مورد چنین رابطه‌ای افراط و تفریط‌هایی وجود دارد. عده‌ای به‌شدت با هر شکلی از آن مخالف‌اند و حتی طرح آن را به‌نوعی ناروا می‌دانند. برعکس، عده‌ای با این استدلال که دنیا عوض شده است، آن‌را حتی به شکل خیلی آزاد می‌پذیرند.

اما شیوه درست برخورد با این پدیده چیست؟

در پاسخ باید گفت نه آزادی مطلق را در این مورد باید پذیرفت، نه می‌توان به محدودیت بی‌ضابطه معتقد بود؛ یعنی هرگونه برخورد و روبه‌روشدنی را منع کرد.

امروزه برخلاف گذشته، به دلیل تعاملات فردی و اجتماعی گسترده، ضرورتاً ارتباطات گوناگونی در سطح جامعه پدید آمده است. ارتباطات تحصیلی و فامیلی و نیز مناسبات اقتصادی و کاری متنوعی

طی فعالیت‌های روزمره بین افراد جامعه جریان می‌یابد. هر کدام از این‌ها تعریف خاص و حریمی ویژه دارد. بی‌تردید هر نوع ارتباطی را همیشه و همه‌جا نمی‌توان درست یا نادرست دانست.

آنچه رابطه را شکل و نامی خاص می‌بخشد، محتوای آن است. یعنی در هر شکلی از ارتباط باید دید چه پیامی مبادله می‌شود. فرضاً یک ارتباط ساده چون گرفتن جزوه درسی از هم‌کلاسی در دانشگاه - که طرف می‌تواند از جنس مخالف نیز باشد - را نمی‌توان همه‌جا سالم یا ناسالم دانست. در جایی سالم است که در آن قصد لذت‌جویی و نگاه بد نباشد. بله، اگر ارتباطی این‌گونه باشد، یعنی واقعاً به دور از گناه و شائبه



انسان که در زندگی اجتماعی ناگزیر از همکاری هستند، با یکدیگر ارتباط دارند. پس اینکه تصور شود آموزه‌های دینی دیواری بین دو جنس کشیده‌اند و به‌طور کلی مخالف هرگونه برخورد و رابطه‌ای بین دو جنس هستند، اصلاً درست نیست. حتی هم‌صحبت شدن نیز در موارد ضروری و به شرطی که ترس از افتادن در گناه وجود نداشته باشد، در امور کاری، تحصیلی و... با رعایت حریم‌ها اشکال ندارد. اسلام دینی عقلانی و منطقی است. اگر هم یک سلسله محدودیت‌هایی در این رابطه پدید آورده است، به‌خاطر خودمان در نظر گرفته است و رعایت آن‌ها تنها به رشد و سلامت خودمان کمک خواهد کرد.

است که رفتارهای هر دو جنس در محیط‌های کاری و آموزشی و... اعم از شیوه گفتار و حرکات و حتی راه رفتن، به‌دور از نمایش و عرضه‌گری و تحریک باشد و در برقراری چنین رابطه‌ای به مقدار ضرورت اکتفا شود. غفلت از این‌ها در برخوردهای روزانه باعث عادی شدن یک لغزش، شکسته شدن حریم‌ها و وارد شدن طرفین به قلمرو شخصی یکدیگر می‌شود که این خود سبب بروز تعارضات و آسیب‌هایی خواهد شد. به‌عبارت دیگر، رابطه سالم بین دو جنس در سطح جامعه رابطه‌ای است که به‌دور از احساسات گناه‌آلود و تمایلات جنسی باشد؛ رابطه‌ای که در آن دو نفر از دو جنس مخالف به‌عنوان دو

دیگر و براساس ضرورتی پدید آمده باشد، می‌توان آن را سالم نامید. رابطه سالم نشانه دارد. یکی از نشانه‌های آن است که اگر طرف را برای مدتی نبینیم، مشکلی آن‌چنانی پیدا نمی‌کنیم. برعکس، وقتی که الزامی در خودمان می‌بینیم که حتماً برویم و به دلایلی آن‌چنانی و به بهانه پس‌دادن جزوه مثلاً وی را مجدداً ببینیم، این‌گونه رفتارها که با تکرار، تمایل و نوعی دلبستگی و پشتوانه‌گریزی همراه هستند، ناسالم‌اند. **نمایش، هرگز! ضرورت، آری!** در فرهنگ اسلامی معیارها و ملاک‌های یک رابطه درست و نادرست بین دو جنس به‌صورت بسیار روشن بیان شده است. در مناسبات اجتماعی تأکید شده